

اگر چه ما می دانستیم که ایشان ایمان نخواستند آورد الخشن والفتنة از مبرون و سوختن و طربا
کردن کردن با زبان فایده دیگر که هر چه جلالت و کثرت لیستین الدین او تو الکتاب
و نوزده یاد کردیم زبانیه را و تو قرآن تا بقیتش شود اهل تربیت و اخیل را که در کتاب
سما و بست و راست است و درست است چون که در کتاب ایشان شرحی بود و
یزداد الدین آمنوا ایمانا و تا افزون کند این عدد و مخصوص که نوزده است و
ایمان یعنی ایمان بنده مؤمنان باشد نه زیاد و شود یا تا افزون شوند از روی گردیدن
الازدیاد افزون کردن و افزون شدن اصله الاذنیة و من الافتعال و لا یرتاب
الدین او تو الکتاب و المؤمنون با از برای تاکید با فرمود در کتاب
نیفتند اهل کتاب و مؤمنان در حق بودن قرآن و رسالت محمد عبد السلام و لیسوا
الدین فی قلوبهم مروض و تا بگویند مضائقان کرده طهای ایشان چهاری قضا
و شک و الکافرون و کافران نماذ الاله و الله و ما مثلها چه فرست
خدای تعالی با من مثل عدد اندک که نوزده است و که پیشین و غضب ایشان
انکار قرآن بود و کتابها بقره نیست مثلا تمیز لهذا احوال منه المثل و استناد
و غیره و او همان احد همان تا ذامعنی شی و خدای آتی شی اراد و نه مفعول اراد
و ایشان ما بعضی آتی شی و ذامعنی الذی ای شی الذی اراد الله تعالی بهذا حال کونه مثلا

۷۴
او من جملة المشرك ذلك بضل الله من يشا و یهدی من یشا و یمن
فردی که در دو در کراهی خدای تعالی بعد از اختیار بند هر کجا خواهد راه راسته می یابد
آنرا که خواهد بعد از اختیار وی چون بر جمل لغته الله علیه کنت لک خدای محمد شهباز نوزده
نیت این آیت آنکه و ما یعلم جزو ربك الا هو و نذا نذک کراهی خدای ترا
کردی موسی بر سید یارب فرشتگان آسمان چند خطابه آمد که در دو در سه
و هر سه بی شمار ذریهای خاک و ما هی الا ذری للبشر و نیت این صفت کردن
و خبر کردن ازین دوزخ نموده و همنه مراد می رانند که در از عذاب جلاص یا بر
وقیل نیست این دلایل و حج و آیات قرآن مگر نیند مراد می سازد کلا نه حقیق است
که قرآن می گویند کویا مت نخواهد بود و القوم الیل اذا دبر بحمت ماه
و بحمت شب چون باز کرد و القاء اذا بر و داد بر و الصبح اذا انفر
بحمت سفیده دم چون کرو شین شود انما الاحدی الکی بر رستی سترگی
از در کما بزرگ و در زینت از صفت در کات دوزخ و نام این صفت در کتاب
الجمت جمعت لظی حظه سیه سقره حجه تا و یه عفو ذی الله تعالی منها الکی جمع
الکبری یا نیست الا کبر و قیل به پیشی که این سقره کی از برای بزرگست ذل للبشر
در حال که ترساننده است مراد می سازد و قیل و کردانیدیم ما خبر کردن را از سقره سقره